

# اهداف و راهکارهای عملی عدالت اجتماعی

از منظر امام خمینی (ره)

محمد رضا متقی راد

پس از شکوفایی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران توجه جدی به امر برپایی عدالت اجتماعی در میان اقشار مردم انجام گرفت. امام راحل از کسانی بود که سالیان عمر شریف خویش را در راه تحقق عدالت سپری کرد و رهنمودهای او چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بیانگر آرزوهای اوست. امام ضروری‌ترین کار و اولین قدم را در این راه برقراری حکومت اسلامی می‌دانستند حکومتی که در سایه آن بتوان به احکام اجرایی اسلام که مهمترین آن تحقق عدالت است دست یافت. او حکومت اسلامی را در راستای اهداف پیامبران معرفی می‌فرمودند و معتقد بودند یکی از اهداف پیامبران اجرای عدالت در اجتماع است.

رابطه عدالت اجتماعی و اهداف پیامبران از دیدگاه امام راحل (ره)

برای اجرای عدالت در اجتماع نیاز به محیطی است تا در سایه آن عدالت تحقق یابد برای این منظور محیطی مناسبتر از حکومت اسلامی که با قدرت بتواند مجری آن باشد وجود ندارد.

اهداف پیامبران که عمده آن پرستش و عبادت، آزادگی از غل و زنجیر خرافات و جهل و عدالت اجتماعی و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد. میسر نمی‌شود مگر با آماده‌سازی بسترهای مناسب آن. تشکیل حکومت زمینه‌ساز تحقق اهداف پیامبران است و با اجرای عدالت محیطی عاری از ظلم و تعدی ایجاد می‌شود. تا مردم بهتر بتوانند به عبادت و پرستش خدای سبحان نائل شوند.

این معنی را امام امت در وصیتنامه خود اینگونه آورده‌اند.

انبیاء برای اقامه عدل مبعوث شده‌اند.

لازم است به رهبر محترم آتیه یا شورای رهبری تذکری برادرانه و مخلصانه بدهم: رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد. و انسان را خدای نخواست به غرور و بزرگان‌اندیشی خود وادارد آن همان است که مولای ما علی بن ابیطالب درباره آن گوشزد فرموده است. اساساً انبیاء خدا صلوات‌الله و سلامه علیهم مبعوث شدند برای خدمت به بزرگان خدا خدمت‌های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی<sup>۱</sup>.

### غایت‌مداری در عدالت اجتماعی

امام امت غایت عدالت اجتماعی را برای توسعه معرفت می‌دانند ایشان نظرشان این است که عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است تمام کارهایی که آنها می‌کردند برای این‌که معرفت الهی را به معنای واقعی توسعه بدهند، جنگها برای این است، صلحها برای این است و عدالت اجتماعی غایتش برای این است.

### هدف عدالت اجتماعی در اسلام

امام راحل (ره) هدف و غایت حکومت، اهداف انبیاء را توسعه معرفت می‌دانند. (... بنابراین قرآن و کتاب الهی یک سفره گسترده‌ای است که همه از آن استفاده می‌کنند. منتها هرکس به وضعی استفاده می‌کند و عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آنها می‌کردند، برای این‌که معرفت‌الله را به معنای واقعی توسعه بدهند. جنگها برای این است، صلحها برای این است عدالت اجتماعی، غایتش برای این است. این‌طور

نیست که دنیا تحت نظر آنها بوده است که می‌خواستند فقط دنیا اصلاح بشود همه را می‌خواهند اصلاح بکنند.<sup>۱</sup>

از نظر امام راحل حکومت، عدالت و شکوفایی معنویات در یک راستا قرار گرفته و انبیا نیز مأموریت داشته‌اند تا بشر را از این گذرگاه به مقصود نهایی خلقت راهنمایی کنند. در کتاب صحیفه نور آمده است:

«انبیاء هم که مبعوث شدند برای این مبعوث شدند که معنویات را و آن استعدادها را شکوفا کنند که در آن استعدادها بفهمند به اینکه چیزی نیستیم و علاوه بر آن مردم را، ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند، از اول انبیاء این دو شغل را داشته‌اند شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند از اسارت خودش خارج کنند (که شیطان بزرگ است) و مردم و ضعفا را درگیر ستمگران نجات بدهند. این دو شغل، شغل انبیاست. وقتی انسان حضرت موسی را، حضرت ابراهیم را ملاحظه می‌کند و چیزهایی که از آنها در قرآن نقل شده است.

می‌بینید که اینها همین دو سمت را داشتند، یکی دعوت به مردم به توحید و یکی نجات بیچاره‌ها از تحت ستم، اگر تعلیمات حضرت عیسی سلام‌الله علیه در این امر کم است حضرت عیسی (ع) کم عمر کرد و کم تماس پیدا کرد، با مردم و الا شیوه او هم همان شیوه حضرت موسی (ع) است و همه انبیاء و بالاترین آنها که رسول خدا (ص) است. این دو شیوه را به عیان در قرآن و سنت و در عمل خود رسول‌الله می‌بینیم. قرآن دعوت به معنویات الی حدی که بشر می‌تواند به او برسد و فوق او و بعد هم اقامه عدل پیامبر هم و سایر کسانی که لسان وحی بودند آنها هم این دو رویه را داشتند.»<sup>۲</sup>

امام راحل این مراتب را برای پیامبر اسلام نیز قائل است امام می‌فرمود:

(خود پیامبر هم عملش اینطور بود تا آن روزی که حکومت تشکیل نداده بود معنویات را تقویت می‌کرد، به مجرد اینکه توانست حکومت تشکیل بدهد علاوه بر معنویات اقامه عدل کرد حکومت تشکیل داد و این مستمندان را از زیر بار ستمگران تا آنقدر که اقتضا داشت وقت نجات داد).<sup>۳</sup>

امام راحل می‌فرماید وظیفه ما نیز تشکیل حکومت و آشنا کردن مردم با معنویات و

۱. اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، ص ۱۸۵.

۲. همان‌جا.

۳. همان‌جا.

اجرای عدالت است. او می‌فرماید «ما باید دولت اسلامی را همه مردم همه انسانها دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتوانند اقامهٔ عدل بکنند و دولت باید جهات معنوی را هم در نظر بگیرد یعنی چون تابع اسلام است باید روی رویه اسلام باشد. روی رویه اسلام با هم دو معنا به همان دو راهی که اسلام دارد حفظ معنویات مردم و اقامهٔ عدل بین‌شان و نجات دادن مظلومان در دست ظالمان. حالا این فرق نمی‌کند مظلومانی باشد که از دولتها ظلم می‌کشند یا مظلومانی باشد که در اربابها ظلم می‌کشند»<sup>۱</sup>.

### هدف مشترک دولت و ملت

در ادامه سخن امام راحل (ره) وظیفه را تنها متوجه دولت نمی‌دانند بلکه آحاد ملت را موظف می‌دانند تا با دولت اسلامی همکاری کنند، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در این باره می‌فرماید: «اسلام برای این دو جهت آمده است و ما تابع اسلامیم و باید این دو جهت را حفظ کنیم مقررات اسلامی به حدّ اعلاّی خودش حفظ بشود این دو مقصد که مقصد همه انبیاء است تحقق پیدا می‌کند مقصد روحانیت مردم و مقصد اقامه عدل در بین جامعه و باید از آن کسی که در رأس واقع هست تا آن اشخاصی که قوای ثلاثه را تشکیل می‌دهند و چه آن اشخاصی که در خارج از اینها هستند لکن تعهد به اسلام دارند باید اینها همه با هم این بار را بردارند»<sup>۲</sup>.

امام راحل (ره) یکی از راههای عدم تداوم این راه را اختلاف بین مسئولین می‌دانستند و بارها آن را گوشزد می‌فرمودند. در ادامه همین سخنان می‌فرمایند.

«اختلاف بین‌شان نباید باشد مقصد واحد است و همه باید در این مقصد واحد شرکت کنند. مجلس و قوه قضائیه در این مقصد باید همه شرکت کنند. علمای بلاد هر جا هستند در این مقصد باید شرکت کنند»<sup>۳</sup> حال به بیان عدالت اجتماعی از منظر قرآن پرداخته، پاره‌ای از آیات الهی را می‌آوریم و سپس سخنان پربار امام راحل (ره) را همراه می‌سازیم.

### قرآن مجید و عدالت اجتماعی

در سوره حدید آیه ۲۵ می‌فرماید:<sup>۴</sup>

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط

۱. همان مأخذ، ص ۱۸۹

۲. همان مأخذ، ص ۱۸۹

۳. همان مأخذ، ص ۱۸۹

۴. قرآن مجید، سوره حدید، آیه ۲۵

هرآینه رسولان خویش را با دلایل آشکار فرو فرستادیم و با آنان کتاب و میزان همراه ساختیم تا مردم به قسط و عدل قیام کنند.

از مفاد این آیه استفاده می شود که پیامبران الهی زمینه ساز عدالت گسترده بوده اند و ابزار مورد نیاز که کتاب قانون و حربۀ دفاع از آن را که جدید است با خود آورده اند.

کتابهای تفسیری نیز در تفسیر کلمات (کتاب، میزان و قسط) مطالب ما را تأکید می کنند. در تفسیر تبیان<sup>۱</sup> اثر شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی آمده است (وانزلنا معهم الكتاب). ای مکتوباً فيه ما يحتاج الخلق اليه كالتوراة والانجيل والقرآن او الميزان ای وانزلنا الميزان وهو ذوالکفین وقيل المراد به العدل. (ليقوم الناس بالقسط) یعنی بالعدل فی الامور.

مرحوم شیخ الطائفه طوسی قسط را به معنی عدل و کتاب را جامع آنچه مردم بدان نیاز دارند معنا کرده است. در تفسیر کبیر فخر رازی نیز آمده است:

«والميزان هو الذي يتميز به العدل من الظلم والزائد عن الناقص»<sup>۲</sup>

میزان آن چیزی است که تمیز می دهد بین عدل و ظلم و بین زیادی و کمبود و نقصان. یا قول هفتم آن نیز چنین است:

«وسابعها الكتاب الى ما ذكر الله في كتابه من الاحكام المقتضية للعدل والانصاف والميزان اشارة الى حمل الناس على تلك الاحكام المبنيه على العدل والانصاف». و هفتمین قول آنکه (کتاب) اشاره است به سوی آنچه خدای سبحان در کتابش یادآوری کرده از احکامی که زمینه ساز عدل و انصاف می باشد. و (میزان) اشاره دارد به اداره مردم بر اساس همین احکام و در تفسیر کلمه قسط می گوید:

«المسألة الثالثة ذكر في منافع الميزان ان يقوم الناس بالقسط والقسط والاقساط هو الانصاف وهو ان تعطى قسط غيرك كما تأخذ قسط نفسك والعادل مقسط قال الله تعالى (ان الله يحب المقسطين)»<sup>۳</sup>.

مرحوم فخر رازی قسط را به معنی انصاف گرفته و آن را این چنین بیان داشته است: «قسط آن است که سهم دیگری را آنگونه که سهم خویش می گیری عطا کنی و عادل مقسط است. قرآن می فرماید: «خداوند دوست دارد مقسطین را».

۱. شیخ طوسی، تبیان، ج ۸، ص ۵۳۴

۲. امام فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۵، ص ۲۴۲

۳. همان مأخذ، ص ۱۴۱

از بیان مطالب تفسیری به این نتیجه می‌رسیم که عدالت گستری از اهداف پیامبران شمرده می‌شود، زیرا خداوند سبحان می‌فرماید: ما رسولان خویش را با ابزار (کتاب) و (میزان) فرستادیم تا مردم به عدالت قیام کنند. زمینه‌های قیام مردم به قسط را پیامبران فراهم می‌کنند. از آیات دیگر نیز برای اثبات مطلب می‌توان استفاده کرد: «ان الله يأمر بالعدل والاحسان» و «أمرت لأعدل بینکم»<sup>۱</sup> «همانا خداوند سبحان امر می‌کند به عدالت گستری و نیکوکاری» و «به عدالت گستری در میان شما امر شدم» و آیات ۱۳۵ نساء و ۸ مائده اشاره به قسط و عدل است.

البته روایات زیادی نیز به امر عدالت و انصاف در حق دیگران و در اجتماع سفارش کرده‌اند و اهمیت این امر حیاتی را گوشزد کرده‌اند به نمونه‌ای از این آیات بسنده می‌کنیم. «العدل حیاة الاحکام»<sup>۲</sup> حیاة احکام الهی در سایه عدل است.

«ما اوسع العدل ان الناس یستغنون اذ اعدل علیهم»<sup>۳</sup> عدل چقدر وسیع است. اگر عدالت حاکم باشد مردم بی‌نیاز می‌شوند.

«جعل الله العدل قواماً للانام»<sup>۴</sup> خدای سبحان عدل را سبب پایداری امت قرار داد. «ما امرت البلاد بمثل العدل»<sup>۵</sup> آباد نگردد شهری را مانند عدالت، یعنی عدالت ابزاری مؤثر برای آبادانی و توسعه است.

«الرعیة لا یصلحها الا العدل» اصلاح نمی‌گرداند امور مردم را مگر عدالت، مردم اصلاح نمی‌شوند جز در سایه عدل.

در جایی که روایات عدالت را ثبات حکومتی و اصلاح مردم و سبب تداوم قدرتها و حیاة احکام می‌داند معلوم می‌شود که بدون آن چرخ حیات ملتها نمی‌چرخد و اجتماع به سعادت واقعی نمی‌رسد.

چون پیامبران الهی برای سعادت دنیا و آخرت مردم مبعوث می‌شوند و سعادت آنان جز با عدالت در اجتماع تأمین نمی‌گردد پس لازم است پیامبران زمینه‌های لازم برای تحقق عدالت را فراهم سازند و بدیهی است که مراد از عدالت همه ابعاد آن را شامل می‌شود عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و غیره... برای پیاده کردن عدالت در اجتماع

۱. نحل، ۹۰ و شوری ۱۵

۲. میزان الحکمه، حدیث ۶۸۵

۳. همان مأخذ، ۱۱۶۹۵

۴. همان مأخذ، ۱۱۶۵۸

۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳

نیاز داریم به فضایی که قانون الهی در آن به راحتی اجرا شود و آن مستلزم قدرت و حکومتی است که قوانین اسلامی زیربنای آن محسوب شود. و با تحقق چنین حکومتی راه عدالت‌گستری در اجتماع هموار می‌شود.

### امام، عدالت اجتماعی و ضرورت تشکیل حکومت

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

«غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد»<sup>۱</sup>.  
و یا در جای دیگر می‌فرماید: «پیاپی کردن مقاصد اسلام در جهان خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نمی‌شود»<sup>۲</sup>.

کلام دیگر امام راحل (ره) نیز گویای همین مطلب است آنجا که فرمود:  
«باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا کند»<sup>۳</sup> امام راحل در بیان اهداف حکومت اسلامی می‌فرماید: «نمی‌خواهیم ما که یک دنیا برایمان باشد ما می‌خواهیم حق را پابرجا کنیم ما می‌خواهیم عدالت درست کنیم»<sup>۴</sup>.

### اهداف تشکیل حکومت

از فرمایشات ائمه معصومین (ع) یکی از اهداف تشکیل حکومت اسلامی، برقراری عدل و نبودن ظلم، اصلاح امور مردم و تحقق احکام الهی و پناه دادن به مظلومان بیان شده است. روایتی از سرور شهیدان عالم حضرت سیدالشهدا که از پدر بزرگوارشان حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام نیز وارد شده که در پایان آن امام (ع) هدف از تشکیل حکومت و اراده امور مردم را بیان می‌دارد.

«اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منّا تنافساً فی سلطان ولا التماساً فی فضول الحاکم  
ولکن لنری [النرد] الخ ل [المعالم من دینک و تطهر الاصلاح فی بلادک و بأمن المظلومون من  
عبادک و یعمل بفرائضک و سنتک و احکامک فانکم تنصرون و تنصفون قوی الظلم علیکم

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۶

۲. همان مأخذ، ج ۲۰، ص ۱۲۸

۳. همان مأخذ، ج ۱۵، ص ۱۴۹

۴. همان مأخذ، ج ۲۰، ص ۲۲۵

و عملوا فی اطفاء نور نیکم وحسبنا الله وعلیه توکلنا والیه ابنا والیه المصیر»<sup>۱</sup>.

خدایا تو می دانی آنچه از ما اظهار شده است برای رقابت در سلطنت نیست و برای تمایل به دنیا نیست برای این است که دین تو را بریا ببینیم (برگردانیم) و در شهرها به اصلاح بپردازیم و خاطر بندگان ستمدیده‌ات را آسوده گردانیم.

به واجب و سنت تو عمل کنیم. شماها باید ما را یاری کنید و بما حق دهید. زیرا ستمکاران بر شما چیره شده‌اند و برای خاموش کردن نور پیامبران می‌کوشد و خدا ما را بس است و بر او توکل داریم و بدرگاه او باز می‌گردیم و سرانجام همه بسوی اوست».

امام راحل (ره) در این باره فرموده: خدایا اگر هیچ کس نداند تو خود می دانی که ما برای برپایی پرچم دین تو قیام کرده‌ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده‌ایم. امام راحل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را متذکر شده و بدینوسیله آن را راهی برای فرار از استعمار و استکبار جهانی قرار دادند و چنانچه اشاره کردیم فرمودند مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه‌جانبه اسلام میسر نیست.

#### هدف از تشکیل حکومت در بیان امام راحل (ره)

«خداوندا اگر هیچ کس نداند تو خود می دانی که ما برای برپایی پرچم دین تو قیام کرده‌ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده‌ایم و در پیمودن این راه لحظه‌ای درنگ نمی‌کنیم»<sup>۲</sup>.

امام راحل (ره) اساس وظایف جمهوری اسلامی را در فراهم آوردن زمینه‌های توسعه فرهنگی و اقتصادی مردم ذکر می‌فرماید:

«مبارزه با فقر را به عنوان اصلی‌ترین کار یک دولت قلمداد می‌کند»، در برخی از پیامها آورده‌اند: «اساس کار یک جمهوری اسلامی تأمین استقلال مملکت و آزادی ملتها و مبارزه با فساد و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی اصلاحات لازم را به عمل آورند که این اصلاحات با مشارکت کامل مردم خواهد بود و هدفش قبل از هرچیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم ماست که در همه جهت مورد ظلم واقع شده‌اند»<sup>۳</sup>.

۱. تحف العقول، کلمات امام حسین (ع)، ص ۲۴۳

۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۳

۳. صحیفه نور، ج ۴، ص ۶



یا در جای دیگر وظیفه و آرزوی ملت و دولت و مسئولین را این چنین بیان می‌دارند.  
 «همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بر بندد و مردم عزیز و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.

برای اثبات مطلب اول به این مقدار بسنده می‌کنیم و یادآور می‌شویم که یکی از اهداف پیامبران ایجاد فضای قسط و عدل است تا مردم برای آن به پا خیزند و تشکیل حکومت را یکی از راهکارهای تحقق عدالت در اجتماع دانستیم و از زبان منادیان دین بیان داشتیم که بدون تحقق عدالت سعادت انسانها تأمین نمی‌شود حال به این نکته می‌پردازیم که سازوکارهای تحقق عدالت در اجتماع چیست؟ با توجه به ابعاد گسترده عدالت اجتماعی چگونه باید آن را در اجتماع عملی ساخت؟

با توجه به گرایش این نوشته که بیان عدالت اجتماعی از زبان امام راحل است. سخن را به راهکارهای تحقق عدالت در اجتماع می‌بریم و به بررسی عوامل مؤثر در توسعه عدالت می‌پردازیم. قبلاً گفته شد که عدالت ابعاد وسیعی دارد که از جمله عدالت در اقتصاد است. در هر ملتی بحث اقتصاد و عدالت اقتصادی مطرح است و امروزه بحث توسعه که بخشی از آن توسعه اقتصادی است از مهمترین بحثهاست ما برای روشنتر شدن مطلب به معنایی که از عدالت شده است می‌پردازیم.

### تعریف اول

شهید مطهری عدالت را به چهار معنی آورده است:<sup>۱</sup>

۱. تناسب میان اجرای یک مجموعه هدفدار در یک روند پایدار

۲. رفع تبعیض و رعایت مساوات در استحقاقها

۳. رعایت حقوق دیگران، عدالت در قانونگذاری

۴. رعایت در استحقاقها چنانچه در خلقت انسان رعایت شده است.

خلاصه فرمایش ایشان به این در تعریف برمی‌گردد. العدل، وضع الشئ فی موضعه (قرار دادن هر چیز در جای خود) العدل، اعطاء كل ذي حق حقه (حق هر چیز را به او بخشیدن).

۱. به کتاب عدل الهی، ص ۶۱ مراجعه کنید.

مولوی می‌گوید:<sup>۱</sup>

عدل چه بود؟ وضع اندر موضعش      ظلم چه بود؟ وضع نادر موضعش  
عدل چه بود؟ آب ده اشجار را      ظلم چه بود؟ آب دادن خار را  
موضوع رخ، شه نهی ویرانی است      موضع شه؟ پیل هم نادانی است  
با این بیان عدل رعایت حق هر ذی حقی است که با معنی اول وضع الشیء فی موضعه  
تناسب دارد و عدالت در اقتصاد یعنی اگر دولت است حقوق مردم را رعایت کند و اگر  
حقوق فردی است. افراد نسبت به رعایت حقوق هم مسئولند.

### کاربردهای عدالت

عدالت کاربردهای گوناگونی دارد از جمله آنها:

#### ۱. عدالت در حکم:

قرآن مجید می‌فرماید: «اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل»<sup>۲</sup>  
آنگاه که بین مردم حکم می‌کنید به عدل حکمرانید.

#### ۲. عدالت در اجرای قانون:

پیامبر عظیم‌الشان اسلام می‌فرماید: «الناس امام الحق سواء»<sup>۳</sup> مردم در پیشگاه قانون مساوی  
هستند.

قال امیرالمؤمنین (ع):

«الحق اوسع الاشياء فی التواصف واضيقها فی التناصف لایجری لاحد الا جری علیه  
ولا یجری علیه الا جری له ولو کان لاحد ان یجری له ولا یجری علیه کان ذلک خالصاً لله  
سبحانه»<sup>۴</sup>

حق وسیعتر از آن است که وضعش کنند و مجال آن تنگ است که بخواهند انصاف  
جویند کسی را حقی نیست مگر بر او حقی ثابت است و بر او حقی نیست جز آنکه او را  
حقی بر دیگری است. فقط خداوند است که حق دارد ولی کسی بر او حقی ندارد.

۱. نقل از عدل الهی نوشته مرحوم مطهری (ره)، ص ۶۲

۲. نساء، ۵۸

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۶، ترجمه دکتر شهیدی

۴. همان.

عدالت اقتصادی از مهمترین مباحث عدالت است که مراد این نوشتار نیز می باشد. قرآن مجید هر ظلمی را رد می کند. «وان تبتم فلکم رؤوس اموالکم لاتظلمون ولا تظلمون» نه ظلم می کنید و نه به شما ظلم می شود.

امیرالمؤمنین علی (ع) بعد از قبول زعامت خطاب به مردم فرمود، اموالی که از بیت المال به یغما رفته است، اگرچه در کابین زنانشان باشد به بیت المال برمی گردانم و فرمود در عدل گشایش است و کسی که در عدالت گستری نگران می شود پس تحمل ظلم و جور برایش گراتر آید.

«والله لو وجدته قد تزوج به النساء وملك به الاماء لرددته فان في العدل سعه ومن ضاق عليه العدل فالجور عليه اضيق»<sup>۱</sup>

بدیهی است اگر طبقه مرفه حقوق مردم را در جیبهای خود سرازیر کنند و حق محرومین را به آنان ندهند، شاهد اجتماع ناسالم و گرفتار ظلم و جور می شویم و حاصل آن وجود طبقات گوناگونی که فاصله آنان از هم خیلی زیاد است. یکی مترف و دیگری مسکین و درمانده خواهیم شد. یکی از نمودهای بی عدالتی در اجتماع وجود فقیرانی است که حق آنان توسط مرفهان بی درد چپاول شده است. و اجتماع فقیر نمی تواند روی عدالت را در اجتماع خویش ببیند. پس نتیجه می گیریم برای اجرای عدالت اقتصادی در اجتماع و توسعه و روزافزون اقتصاد ممالک شرقی نیاز به شناخت موانع و راههای مبارزه با آن است. بدیهی است که یکی از موانع بر سر راه گسترش عدالت اجتماعی وجود فقر و تهیدستی خانمان سوز است که باید در سطح وسیعی با آن مبارزه گردد. بحث در مورد فقر و غنی را ادامه می دهیم و آثار و عوامل آن را یادآوری کرده راههای توسعه اقتصاد را مورد توجه قرار می دهیم.

### دیدگاه اسلام درباره فقر جهانی

آنچه از زبان ادعیه معصومین (ع) به ما رسیده حکایت از تفکر جهانی برای زدودن فقر و تهیدستی دارد. زیر آنها عموم مردم را دعا می کردند و برای توده مردمی که در جنگ با اسلام نبودند برنامه داشته اند، در دعاهای ماه مبارک رمضان آمده است:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴

«اللهم اغن كل فقير، اللهم اشبع كل جائع، اللهم اكس كل عريان<sup>۱</sup>  
 خدایا غنی گردان همه فقیران را خدایا سیرگردان گشنگان را و پوشان هر عریان را.  
 از اطلاق عبارات دعا استفاده می شود که مراد همه فقیران و مستمندان است.

### سببهای پیدایش فقر

برای درمان این مشکل بزرگ که بخش وسیعی از کشورهای شرقی را فراگرفته است لازم است سببهای پیدایش فقر را بررسی کنیم تا به سادگی راههای از بین بردن آن را بیابیم. برای این منظور به سببهای پیدایش و یا تداوم فقر اشاره می کنیم.

سببهای فقر را به دو دسته تقسیم کرده اند. سببهای اختیاری و غیر اختیاری.

### سببهای اختیاری

فقر و تهیدستی گاهی در اثر سوء تدبیر در امور اقتصادی کسالت و سستی افراد اسراف و تبذیر و غیره بروز خواهد کرد. از امیرمؤمنان علی (ع) روایتی نقل شده است به این مضمون: «ترک التدبیر فی المعیشه یورث الفقر» نداشتن تدبیر و برنامه ریزی در اقتصاد سبب فقر جانکاه برای انسان می شود.

### سببهای غیراختیاری

برخی از سببهای فقر در اجتماع به روابط ناسالم اقتصادی برمی گردد. بیماریهایی نظیر کلاهبرداری، دزدی، ارتشاء و غصب، رباخواری که اجتماعات به آن دچار می شوند سبب مؤثری برای فقر وجود استکبار جهانی و نقشه های استعماری آنان و ایادی داخلی و سرسپردگان آنان که به صورت حکام جور بر سرنوشته مردم چیره اند می باشد.

عوامل فقر از منظر امام راحل: امام راحل یکی از سببهای فقر ملتها را استکبار جهانی می داند و جبهه ای بین مستضعفین و استکبار گشوده است. به گوشه ای از بیانات ایشان که مربوط به قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی است اشاره می کنیم. «وقتی می روید به غرب می بینید که آنجا یک تشریفات زیاد و واتیکان هم کذا و کجا کذا. مساجد ما خراب و بیچاره خیال می کند. اینها از اسلام است. خیر آقا اینها از سران اسلام است. اینها از اسلام نیست. سران اسلام که در تحت سیطره مستعمرین واقع شده اند ما را به این روز رسانده، ذخایر ما

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ادعیه ماه مبارک رمضان.

را به دیگران تحویل دادند و ما بدبخت و بیچاره و گرسنه ماندیم».

امام با توجه به این که سران دولت سرسپرده اجانب هستند خطاب به مردم ایران می گوید: «با تمام شدن ذخیره نفت به دست این رژیم «شاه» آنچنان فقری به ملت روی می آورد که جز تن به اسارت دادن راهی ندارد، ملت شریف ایران که نه زراعت دارد نه صنعت، باید با فقر و فلاکت دست به گریبان باشد و یا به عملگی برای سرمایه داران تن دردهد».

### آثار فردی و اجتماعی فقر

فقر و تهیدستی آثار فردی و اجتماعی مخربی دارد که باختصار به برخی از آن آثار اشاره می کنیم: گاهی فقر به کفر می انجامد.

انسانها گاهی در اثر شدت سختی و فشار فقر به کفر کشیده می شوند چنانچه در روایتی آمده است:

«كاد الفقراں یكون كفرا»

فقر سبب نومیدی و یأس در انسان می شود. انسان فقیر چون فاصله طبقاتی زیادی با ثروتمندان احساس می کند آرام آرام اعتماد به نفس از تبدیل به یأس و نومیدی می گراید و قدرت مقاومت را از دست می دهد. لذا برای درمان این نقیصه اسلام صبر در مقابل مشکلات را سفارش و با تقویت ایمان و پشتکار سخت کوشی انسان می تواند سرنوشت خویش را عوض کند و تسلیم زبانه های ناشی از تهیدستی نشود. ولی اگر سهل انگاری و کسالت و تنبلی چیره شود انسان گوشه گیر می شود و از فعالیتهای اجتماعی بی بهره می ماند. فقر سبب دل مشغولی و پریشانی است.

یکی از آثار روانشناسی فقر نگرانی و اضطراب و پریشان خاطرگی شخص فقیر است که در روایت بدان اشاره شده است. «ایاکم والدین فانه هم باللیل وذل بالنهار» برحذر می دارم شما را از دین زیرا هم رنج شبانه و خواری و ذلت روزانه را دربردارد. انسان مقروض و فقیر همیشه در فکر بدهکاریهاست و شب و روز او تباه می شود.

### از دست دادن پایگاه اجتماعی

ثمره گوشه گیری فقیران و ناامیدی و یأس آنان از دست دادن پایگاه اجتماعی است و انسان فقیر پریشان و مضطرب در فعالیتهای اجتماعی شرکت نمی کند و اعتماد به نفس خویش را از دست می دهد. امیرالمؤمنین علی (ع) به فرزندشان امام حسن علیهما السلام می فرماید: «یا

بنی الفقیر حقیر لایسمع کلامه ولا یعرف مقامه، لوکان الفقیر حقیر لایسمع کلامه ولا یعرف مقامه، لوکان الفقیر صادقاً یسمونه کاذباً ولوکان زاهداً سیمونه جاهلاً»<sup>۱</sup>

ای فرزندم فقیر حقیر می شود کسی کلامش را بها نمی دهد و منزلت برایش نمی بیند. اگر فقیر است گوید گویند دروغگوست. و اگر زاهد و پرهیزگار شود جاهلش می پندارند. فقر باعث ضعف اعتقادات، کمی عقل، کمرنگی دین و کم آبرویی می شود. امیرالمؤمنین در این باره به فرزند برومندشان می فرمایند:

«یا بنی من اتبلی بالفقر اتبلی یا ربیع خصال بالضعف فی یقینه والنقصان فی عقله والرفه فی دینه و قلة الحیاة من وجهه فنعوذ باللّه من الفقر»<sup>۲</sup>

ای فرزندم کسی که مبتلا به فقر شود مبتلا به چهار خصلت می شود یقین و عقل او کم می شود، دینش کمرنگ و حیا او کم می شود.

بدیهی است که این آثار شوم برای افرادی است که در برابر فقر زانو می زنند اما اگر انسان با توکل به خدا و سخت کوشی زیاد عنان زندگی به دست گیرد و تحوّل بزرگ در زندگی خود ایجاد کند چیزی خارج از دسترس نیست. در روایات آمده است فقری که با صبر و دینداری توأم باشد بسان شهادت در راه خداست.

امام امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «الفقر مع الدین الموت الاحمر الفقر من الدین الشقاء الاکبر». فقری که همراه دینداری باشد مانند شهادت است و بدون آن بدبختی و شقاوت بزرگ است.

نتیجه این که باید با فقر دست و پنجه نرم کرد و با آن مبارزه ای سخت آغاز کرد و موانع توسعه و گشایش در زندگی فردی و اجتماعی را فراهم ساخت.

### راههای مبارزه با فقر

قبلاً اشاره کردیم که اسلام برای مبارزه با فقر دیدی جهانی ارائه می دهد. تا جایی که امیرالمؤمنین علی (ع) پیرمردی را می بیند که ناتوان شده است دستور می دهد که برای او حقوقی از بیت المال مسلمین وضع کنند. و می فرمود تا جوان بود از دست رنج او استفاده کرده اید حال که فرتوت و ناتوان شده او را رها کرده اید.

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۷

۲. همان مأخذ

یکی از راههای مقابله با فقر مبارزه با مستکبرین و عاملان فقرهاست که وظیفه همه مردم خصوصاً علما و دانشمندان و فرهنگیان هر ملتی است. امام راحل (ره) در پیامی خطاب به علما و روحانیون چنین می فرماید:

«یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است مقابله جدی با ورود فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاستهای اقتصاد سرمایه‌داری اشتراکی در جامعه است. هرچند که این دامنگیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان و آبها و دریاها و جنگل‌ها و ذخایر به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با جهان‌خوران حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری چند ملیتی عملاً نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راههای صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند و با اتکای تفکرات و تحقیقات خود ساخته به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و ال‌راهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است، این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تعیش‌ها جانانشان به لب آید. به هر حال این مصیبتی است که جهان‌خواران به بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتها و وابستگی وضعیتی اسفبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققان و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام طرحها و برنامه‌هایی می‌سازند و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند، و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند»<sup>۱</sup>.

### نتیجه

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که امام امت (ره) با بیان کافی به خوبی اهداف پیامبران را تبیین نموده و ارتباط آن را با عدالت اجتماعی روشن ساخته و برای تحقق آن حکومت اسلامی را

ضرورت می‌دانسته‌اند، بعد از تشکیل حکومت دولت اسلامی را مجری محقق عدالت در اجتماع دانسته‌اند و وظیفه اقشار مردم بالاخص علمای ربانی و دانشمندان هر شهر و دیاری را در رابطه با تحقق عدالت گوشزد نموده و موانع آن را نیز اشاره فرموده‌اند و همه مردم را به اجرای عدالت دعوت نمودند، امید است همه در راه تحقق عدالت اسلامی بکوشیم و به یاد داشته باشیم که توسعه در ابعاد مختلف آن میسر نمی‌شود مگر با تلاشی مستمر و مداوم. همه امکانات موجود کشور باید در جهت توسعه همه‌جانبه بکار گرفته شود. سازوکارهای اقتصادی، مدیریتی، باید زمینه‌ساز تحول و گستره تحقیقات اثربخش شود. برنامه‌ریزیهای دولت و ساختارهای مدیریتی کشور باید در جهت توسعه تنظیم شود. گسترش علم و دانش و تحقیقات در دانشگاهها با واقعیات و نیازمندیهای اجتماع همسو شود و فکر فقرزدایی و ایجاد رفاه و امنیت باید عمومی شود، آنگاه می‌توانیم شاهد کشوری آباد باشیم. انشاءالله.

